لوگوی جام جم با نیلوفر آبی مزین می‌شود

شبکه جهانی جام جم در راستای اهداف خود نسبت به انتقال فرهنگ و تمدن ایرانی و با توجه به سلایق متفاوت مخاطبانش، ضمن حفظ طرح اصلی لوگو که بر مبنای گل نیلوفر آبی و بیانگر نمادهای مشترک با عقاید سایر ملل است، اقدام به بازنگری در رنگ و فونت لوگوی شبکه کرده است. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی سیما، این شبکه از اسفند سال ۹۸ با توجه به ضرورت تعامل بیشتر با ایرانیان خارج از کشور و فارسی‌زبانان دنیا، سه‌کاناله شد و تاکنون هر سه کانال با یک لوگوی ثابت و یک لوگوتایپ انگلیسی مخصوص به خود روی آنتن رفته است. لوگوتایپ جدید طراحی شده به زبان فارسی همراه عدد هر کانال، هم نشان‌دهنده فارسی‌زبان بودن کانال‌هاست و هم با هماهنگی کامل در طرح کلی لوگو، به زیبایی هرچه بیشتر قاب تصویر کمک می‌کند. رنگ فیروزه‌ای در پره‌های لوگو که نماد آرامش فکری و ذهنی و کاهش استرس و اضطراب و همچنین صداقت و اعتماد است و در معماری سنتی به‌وفور دیده می‌شود در کنار رنگ مکمل زرد و نارنجی دایره وسط لوگو و عددهای سه کانال، انرژی مضاعف به طرح می‌دهد.

ما همه یک خانواده‌ایم

اغلب شما سال‌هاست در برنامه «صبح جمعه با شما» که گاهی نام‌های دیگری هم داشته است، مشغول هنرنمایی هستید و در محبوبیت بیشتر آن نقش داشتید. این کار هنوز برایتان جذابیت دارد یا به یک فعالیت روتین تبدیل شده است؟

اصغر سمسارزاده، بازیگر: برای من هنوز جذاب است و فکر می‌کنم دیگر دوستان هم همین احساس را داشته باشند چون همه از کار کردن با هم و دیدن همدیگر لذت می‌بریم. البته زمانی این جذابیت حفظ می‌شود که بچه‌ها از نظر مالی هم به آنچه حق‌شان است، برسند و دستمزدها نسبت به تورم کشور بالا برود. امیدوارم ارزش‌گذاری بیشتری برای رادیو بشود. ما همه شغل‌های دیگری داریم. در این جمع حاضر، دوستان بازیگر، دوبلور، تهیه‌کننده و گوینده هستند. به همین دلیل می‌توانیم روزگار بگذرانیم. مثلا آقای محبی می‌تواند یک هواپیما را باز کند و ببندد؛ شغل اصلی‌اش تکنیسین هواپیما بوده و برای نیروی هوایی کار می‌کرده است. گروه «صبح جمعه با شما» حدود ۵۴ نفر است. جدای از زمانی که نویسندگان برای نوشتن متن اختصاص می‌دهند؛ هر هفته حدود ۹ ساعت وقت می‌گذاریم تا این برنامه دو ساعت و نیمه ضبط شود. دوست دارم این امکان باشد که کمی بیشتر بتوانیم آدم‌ها را زیرسوال ببریم.

یعنی مجال بیشتری برای نقد فراهم شود؟

سمسارزاده: دقیقا. این باعث جذابیت بیشتر می‌شود. زمانی که ما برنامه را گرفتیم حدود ۱۴ میلیون نفر در سطح ایران شنونده داشت. الان شنیدم می‌گویند ۳۴ میلیون شنونده دارد؛ البته مطمئنم بیشتر است. به‌هر حال منظورم این است که اگر این مشکلات برطرف شود، همه‌چیز خیلی بهتر خواهد شد. این جمعی که اینجا نشسته‌اند هیچ‌کدام خانه ندارند. خود من هنوز با این سن، مستاجر هستم.

با وجود این مشکلات که گفتید، چرا هنوز به فعالیت‌تان ادامه می‌دهید؟

سمسارزاده: به عشق مردم.

بیوک میرزایی، بازیگر: کار ما دلی است. مثل یک خانواده کنار همدیگر حضور داریم و با درد و غم هم آشنا هستیم. این جو در همه برنامه‌ها وجود ندارد. اینها باعث می‌شود خود را با هر شرایطی وفق دهیم تا همچنان باشیم وگرنه به قول آقای سمسارزاده از نظر مالی چیزی برایمان ندارد. اشخاصی داریم که از راه‌های دور و کرج در این ترافیک و با استرس خودشان را به‌موقع به برنامه می‌رسانند تا مثلا برای یک بخش تار بزنند. اگر بخواهیم کار دیگری انجام دهیم، درآمد بیشتری داریم اما عاشقانه و دلی پای کار می‌آییم و وقتی پشت میکروفن قرار می‌گیریم، غم و غصه‌هایمان را فراموش می‌کنیم. درستش هم همین است. ما عاشق این حرفه هستیم و وقتی کار نمی‌کنیم مریض، افسرده و کسل می‌شویم. حسابش را کنید اگر این موارد مرتفع شود و برای نوشتن متن‌ها و نقد بیشتر هم دست نویسندگان باز باشد چقدر برنامه جذاب‌تر خواهد شد و رضایت ما هم بیشتر می‌شود. بعضی‌ها ما را می‌بینند و می‌گویند قدیم‌ها برنامه یک‌چیز دیگر بود. باید گفت تقصیر بازیگر نیست. الان هم خوب است. فقط باید متن‌ها بهتر شود و نویسندگان اجازه نقد بیشتری داشته باشند. «صبح جمعه با شما» از قدیم جزو پرشنونده‌ترین برنامه‌ها بوده است. الان هم آدم‌هایی مثل قدوسیان به زحمت آن را حفظ می‌کنند. باید قدر این آدم‌ها دانسته شود تا جمع ما با صمیمیت باقی بماند.

آقای مقدم، برخی دوستان بر این باورند که باید بستر نقد بیشتری در برنامه فراهم شود. البته برنامه همچنان زبان گزنده‌ای نسبت به کاستی‌های اجتماعی و سیاسی دارد. خودتان چقدر موافق این حرف هستید؟

جمشید مقدم، نویسنده: زمانی که با آقای منوچهر احترامی شعر طنز می‌گفتیم، به من گفت طنزپرداز باید جوری بنویسد که پایش را روی خط قرمز بگذارد ولی رنگی نشود. منظورش این بود آنقدر زیرکانه بنویسد که کسی نتواند به او گیر دهد. در کارهایی که می‌نویسم همین سعی را می‌کنم چون فضا را می‌شناسم، می‌دانم به فلان جا برمی‌خورد. اگر فضای بازتری فراهم شود خیلی چیزها را می‌توان به چالش کشید.

اهالی «صبح جمعه با شما» مهمان جام جم بودند و از برنامه

صبح جمعه با ش

نوشین مجلسی
فاطمه عودباشی
رسانه

برای بیشتر افراد، صبح جمعه برخلاف غروب آن یادآور فضایی شاد و همراهی با اعضای خانو اجتماعی و اقتصادی را توامان دارند. «صبح جمعه با شما» نام آشنای این برنامه از شبکه رادیو شنوندگان پیگیر این برنامه آقای ملون با صدای منوچهر نوذری، جانعلی با جان‌بخشی عباس جمعی از هنرمندان پیشکسوت و جوان «صبح جمعه با شما» از جمله اصغر سمسارزاده، بیوک مقدم، نویسنده آن مهمان تحریریه روزنامه جام جم شدند که خواندن مشروح آن را به شما پیش

بداهه‌های صبح جمعه

سال‌هاست این برنامه را اجرا می‌کنید. با شناختی که از تیپ‌های اجرایی خود و همکاران‌تان دارید چقدر سعی می‌کنید به صورت بداهه مواردی را اضافه کنید و تا چه میزان پایبند متن هستید؟

سمسارزاده: من معمولا به متن وفادار نیستم و زیاد بداهه می‌گویم. البته نوشته‌های آقای مقدم را دوست دارم و به ایشان ارادت دارم، به همین دلیل آنها را تغییر نمی‌دهم. در موارد دیگر هم به اصل متن وفادار می‌مانم اما روی بداهه‌گویی زیاد مانور می‌دهم. مثلا در آیتم ماجراهای شوکت و اصغر که با خانم حجت بازی دارم، کار همدیگر دستمان آمده‌است و بداهه‌گویی دارم. دیگر دوستان هم همین کار را می‌کنند. مردم بداهه‌سرایی را ترجیح می‌دهند. آقایان نوذری، عزتا... مقبلی، امیرفضلی و بهمنیار همه این کار را می‌کردند.

محبی: بر یک نکته کوتاه و مهم باید تاکید کنم و آن، این که در این شصت و اندی سال که از قدمت برنامه صبح‌جمعه با شما می‌گذرد تا قبل از شیوع کرونا ما این برنامه را با حضور تماشاگران ضبط می‌کردیم اما در این دو سال بدون تماشاگر ضبط کردیم که خوشبختانه این جمع به حدی صمیمی هستند که خودمان فضایی را شکل دادیم تا بتوانیم بدون حضور تماشاگر هم با همان حس و حال روزهای گذشته کارمان را انجام بدهیم.

آقای میرزایی، نظر شما درباره بداهه چیست و این‌که بازیگر طنز رادیویی باید بداهه‌پرداز باشد یا نه؟

میرزایی: در نهایت نباید بازیگر به نوشته اکتفا کند. باید پایش را فراتر از متن بگذارد. اگر بخواهیم نعل به نعل پیش برویم و از چارچوب خارج نشویم، آیتم با نمک نمی‌شود. بداهه‌گویی نقش ادویه داخل غذا را دارد و هر چه شما بلد باشید چطور از ادویه در غذا استفاده کنید، مسلما خوشمزه‌تر می‌شود و هر چه شما در طنز به بداهه تسلط داشته باشید، آن کار بهتر و جذاب‌تر خواهد بود. بسیاری از بچه‌های ما وقتی برای بازی در تئاتر، سینما و تلویزیون دعوت می‌شوند، متنی که به آنها داده می‌شود مثل فرفره می‌خوانند اما بازیگران دیگر این سرعت را در کار ندارند. همین الان هم ما ساعت ۱۰ صبح ضبط را شروع می‌کنیم ساعت ۲ بعد ازظهر تمام می‌کنیم و این سرعت به خاطر شناخت تهیه‌کننده از صداها و تسلط همکاران در کار است.

سمسارزاده: هر قسمت از برنامه ۱۴۰ صفحه است که ما سه چهار ساعته ضبط می‌کنیم.

قدوسیان: خوشبختانه با این‌که تماشاگر نداریم اما جو حاکم میان دوستان به گونه‌ای است که با همان انگیزه کار می‌کنیم. گرچه هفته‌های اول غم سنگینی وجود داشت و سخت بود بدون تماشاگر کار کنیم، ولی بعد عادت کردیم و صمیمت میان ما این خلأ را شکست. ضمن این‌که در دوران کرونا ما بخش موسیقی را جدا از بخش آیتم‌های نمایشی ضبط می‌کنیم یا حتی ضبط همکاران جداگانه صورت می‌گیرد که به‌خاطر سلامت‌شان است. در مجموع نسبت به گذشته این تفاوت را دارد که خام ضبط می‌کنیم و بعد من در میکس رنگ و لعاب به آن می‌دهم. ولی آن مقطع که با تماشاگر ضبط می‌کردیم گروه موسیقی هم همزمان با ضبط نمایش کار می‌کرد. بعد از تمام شدن ضبط بخش‌های نمایشی، بخش‌های موسیقی را دو تا سه ساعت ضبط می‌کنیم. در این باره شناخت بازیگران خیلی به ما کمک کرده‌است. ضمن این‌که من از نویسندگان خواسته‌ام دیالوگ‌ها را متناسب با ریتم حرف‌زدن بازیگران بنویسند. گاهی نویسنده شعری برای بازیگر می‌نویسد که به او می‌گویم این تیپ شعر مناسب دهان بازیگر نیست یا باید مصرع آن به گونه‌ای نوشته‌شود که با ریتم صحبت‌کردن بازیگر همخوانی داشته‌باشد یا این‌که بازیگر را عوض کنیم. در مجموع کلی کلنجار می‌رویم تا متن چفت بازیگر شود و سرعت کار بالا برود.

منفرد: زمانی که ما در حضور تماشاگر کار می‌کردیم، مردم از شهرستان‌های مختلف هنگام ضبط حضور داشتند اما جا نبود بنشینند و ما همیشه شرمنده آنها می‌شدیم.

محبی: کرونا در همه جای دنیا شیوع یافت و مختص به کشور ما نیست اما چاره دارد. من به مدیران هم گفته‌ام گاهی لازم است برخی مدیران به همدیگر نان قرض بدهند. به عنوان مثال در میان حجم بی‌شمار برنامه‌های تلویزیون و رادیو چه اشکالی دارد شبکه خبر و دیگر شبکه‌ها شب‌های جمعه زیرنویس کنند که مردم فردا در این ساعت شما می‌توانید شنونده برنامه صبح جمعه با شما باشید. شما خواننده‌ای را در نظر بگیرد که وسط بازار مسگرها و با آن حجم سر و صدا می‌خواند، مشخص است صدایش گم می‌شود. بنابراین لازم است در میان این حجم برنامه‌ها، صبح‌جمعه با شما اطلاع‌رسانی شود تا مردم آگاهی داشته‌باشند و این برنامه را دنبال کنند. وقتی ما قرار است نقشی را بازی کنیم می‌دانید چه حجم استرس و نگرانی داریم تا بهترین کار را ارائه کنیم. البته این نگرانی باید باشد و لازمه کار ماست، چون باعث می‌شود به دنبال بهترین کار باشیم. روح منوچهر نوذری شاد. به یاد دارم وقتی متن به او می‌دادیم پاره می‌کرد و از نو می‌نوشت. می‌گفت وقتی ما نمایشی را کنار مردم اجرا کردیم و آنها در حد روده‌بر خندیدند، معلوم نیست وقتی از رادیو پخش شود دوباره بخندند. برای همین باید دوباره از نو نوشته‌شود تا جای خندیدن برای مردم داشته‌باشد. خنداندن مردم پشتوانه کار یک کمدین است. بنابراین وقتی شما یک بلیت برای یک اثر کمدی می‌خرید انتظار دارید آن اثر شما را بخنداند. پس همین واژه باید را در کار کمدین تقویت می‌کند.

دو رکن اصلی «صبح

در این سال‌ها تهیه‌کنندگان مختلفی با برنامه صبح جمعه با شما همراه شدند و سعی کردند جمع این هنرمندان را حفظ کنند. آقای قدوسیان، شما هم احتمالا پیشتر جزو شنوندگان برنامه بودید با چه اندیشه‌ای وارد گود تهیه‌کنندگی آن شدید و چقدر دغدغه حفظ این برنامه را داشتید؟

ساجد قدوسیان، تهیه‌کننده: از زمانی که قرار شد من مسؤولیت برنامه صبح جمعه با شما را داشته باشم قرار بر این بود که دوستان قدیمی را بیاوریم. تا کلاردشت رفتم تا از آقای شیشه‌گران اجازه بگیرم. سه سال بود این برنامه تعطیل شده بود. معتقد بودم این برنامه اگر هنرمندانش نباشد، پا نمی‌گیرد. «صبح جمعه با شما» دو رکن اصلی بیشتر ندارد. یکی مردم و یکی هنرمندان. از روز اول شروع به بازگرداندن هنرمندان قدیمی کردیم. اولین نفر، آقای محبی بود که اگر یادشان باشد در دفتر آهنگساز برنامه، آقای تیموری قرار گذاشتیم و صحبت کردیم. باید اینجا از خانم نسیم رفیعی تشکر کنم که برای دسترسی به دوستان خیلی به من کمک کرد. طبیعتا روز اول به من اعتماد نمی‌کردند چون جوان بودم. بعد که کار شروع شد و با من آشنا شدند، لطف کردند و کار را ادامه دادیم. برای من همین بس است که وقتی اصغر سمسارزاده می‌خواهد قرارداد تئاتر ببندد می‌گوید من یکشنبه‌ها نمی‌توانم بیایم چون ضبط صبح جمعه دارم. آقای محبی یا میرزایی می‌خواهند قرارداد سریال ببندند می‌گویند یکشنبه‌ها نمی‌توانم بیایم چون ضبط این برنامه را دارم. خانم رفیعی یکشنبه‌ها اجرای برنامه زنده قبول نمی‌کند و... این اتفاق زیاد می‌افتد و خیلی برایم ارزش دارد. خانم حجت یک جایی به من گفت، من مساله وقت دارم. نمی‌خواهم حضور نداشته باشم، فقط به‌واسطه کارهای سنگینی که دارم باید هماهنگ کنم. می‌توانی تنظیم کنی من دو سه هفته یکبار بیایم تا صدایم در برنامه باشد؟ یعنی دوستان با عشق می‌آیند. در این هفت‌هشت سال که در خدمت دوستان هستم فقط به خاطر این برنامه، موهایم ریخته است.

سمسارزاده: تو من را می‌بینی موهایم ریخته است، این‌طوری شدی!

قدوسیان: اینها که شوخی است (می‌خندد) من با مدیران جلسات متعددی داشتم. انصافا مدیران بسیاری پای برنامه ایستادند. بحثی که دوستان سر وضعیت مالی و توجه داشتند، صرفا مختص به صبح جمعه با شما نیست. به اذعان مدیران فعلی و قبلی، این برنامه جزو گران‌ترین برنامه‌های رادیوست. بحث سر توجه به کل مجموعه رادیوست. اگر رادیو تاثیرگذار است پس قدرش را بدانیم. من قبلا هم گفتم؛ رادیو رسانه بحران است. وقتی سیل، آتش‌سوزی و... اتفاق می‌افتد همه سریع رادیو گوش می‌دهند. همه چیز به رادیو برمی‌گردد.

محبی: وقتی برق می‌رود، همه رادیو روشن می‌کنند.

قدوسیان: چون دسترسی به رادیو آسان است. پس رادیو رسانه تاثیرگذاری است. در نتیجه باید قیمت این تاثیرگذار بودن پرداخته شود. شاید خیلی از مدیران دلسوز در این موضوع مقصر نیستند. خیلی‌ها تلاش‌شان را کردند، ولی وسع رادیو همین است. دوره‌ای که با استاد شهریار کرمی داشتم، گاهی دیر به کلاس می‌رسیدم یا زود می‌رفتم و از ایشان عذرخواهی می‌کردم که باید به خاطر برنامه بروم. همیشه می‌گ می‌گویید درکت می‌کنم، یعنی اشکال ن که برنامه می‌ساختم ماهی دو نمایش نمایش نیم‌ساعته در ماه، خانه و ماش بزرگ کردم. جالب است من فکر کنم ا باز هم هیچ اتفاقی نمی‌افتد. اشکالی ۱۵سالی است کارم را شروع کرده‌ام. ا بیش از اینهاست. درباره نکته‌ای هم آ نمی‌توان فقط سازمان را مقصر دانست

منظورتان این است که خودسانس

آن هم هست، ولی می‌خواستم بگویم دلیل فضای مجازی. برخی اتفاقات خی مجازی زیاد و غلط به آن پرداخته می‌ش درباره‌اش حرف بزنیم، مخاطبان می‌گ می‌گویند پس درست است. من گاهی متهم به طرفداری از چیزی نشویم. قبا الان تعدد رسانه‌ها را داریم. مخاطبان م را از جاهای مختلف دریافت می‌کنند. آ زیاد شده است که وقتی شما راستش چوپان دروغگو.

برای جذب مخاطبان جوان که «ص این روزها بیشتر وقت خود صرف گ چاره‌ای دارید؟

قدوسیان: در این مورد آقای مقدم ی روی هوش مخاطبم به‌شدت حسا بزنیم که مخاطب باهوش بفهمد ما را کردیم. گاهی کار از دوپهلو حرف‌زدن گ مقدم، پارسا، هاشمی، خانم‌ها حاجی و... که جزو نویسندگان هستند می دوپهلو ننویسید. یکی به نعل و یکی ب مقدم، اگر در بیت اولت به دو موضو بیت بعدی دو موضوع دیگر را طرح ک شود و خودش حرف را پیدا کند. برا مخاطب کد هم می‌گذاریم.

منظورتان از کد چیست؟

قدوسیان: مثلا بعضی شخصیت‌ها تکیه‌کلام‌هایی دارند که از آنها

ساجد قدوس

فکر می‌کردم کسی رادیو گوش نمی‌دهد

آقای منفرد، در مصاحبه‌ای خوانده بودیم علاقه‌ای به رادیو نداشتید. پس چطور وارد این کار شدید؟

منفرد: اوایل برایم خیلی سخت بود، چون فکر می‌کردم کسی رادیو را گوش نمی‌دهد. اما بعد متوجه شدم مردم گوش می‌دهند. چندبار خودم طنز رادیویی گوش دادم و دیدم چقدر جالب است و به این کار علاقه‌مند شدم. تیپی را که در این برنامه اجرا می‌کنم خیلی دوست دارم و زاییده تخیل خودم است.

خانواده‌هایتان هم شنونده این برنامه هستند؟

منفرد: بله. خانواده من شنونده هستند.

سمسارزاده: زن من که همیشه این ساعت خواب است و گوش نمی‌کند! (می‌خندد)

منفرد: جالب است برایتان بگویم من در شبکه تهران یک سال برنامه سلام تهران را اجرا می‌کردم و مادرم نمی‌دانست. یک روز در برنامه اسم پدرم را استفاده کردم و متوجه شد من هستم. همان لحظه برگشت نگاهی به من کرد و گفت تو رفتی مطرب شدی؟ خجالت نمی‌کشی؟

از نسل قدیم دست‌اندرکار این برنامه چه خاطره‌ای دارید؟

سمسارزاده: نوذری، هنرمند بسیار بزرگ و قابل احترامی بود. او هنرمند بی‌رقیب و دوست‌داشتنی بود و می‌شود گفت از زمانی که رادیو وارد ایران شد تا امروز نظیر نوذری را نداشتیم.

قدوسیان: آقای فرهنگ جولایی، اولین تهیه‌کننده این برنامه هستند و همیشه به من لطف داشتند. یادم هست وقتی تهیه این برنامه را قبول کردم در جلسه‌ای بودم که آقای جولایی گفتند برنامه ما را می‌شنوند. خوب است یادی کنیم از صادق عبداللهی که نویسنده بزرگی بود. من اولین دوره نویسندگی را زیر نظر او گذراندم. چند مطلب نوشتم، اجرا کردم و به من گفت بروم در برنامه جمعه ایرانی اجرا کنم. دو ماه من در این برنامه بازی کردم. خیلی از دوستان این موضوع را تا الان نمی‌دانستند. وقتی من خیلی بچه بودم، هنرنمایی دوستان را در این برنامه شنیدم بودم و برایم خیلی جالب بود. وقتی قرار شد خودم تهیه‌کننده برنامه صبح جمعه با شما شوم، اولین نفر به سراغ زنده‌یاد آقای عبداللهی رفتم. او با این‌که حال مساعدی نداشت اما به استودیو می‌آمد و جزو معدود نویسندگانی بود که هنگام ضبط متن را تغییر می‌داد.